

محمد علی خان

هند بروزگار مغول

ترجمه‌ی: محمد حسین ساکت

بقیه از شماره قبل

جلال‌الدین محمد اکبر شاه

- ۱۸- برتست که در پراکندگی دانش ، فرهنگ و ادبیات تا سرحد کمال به کوشش پردازی و دانشوران را بنوازی تا دانستیهای علمی آنان از میان نرود!
- ۱۹- بر تو باد که از بزرگداشت خانواده‌های اصیل و قدیمی دریغ نوری و نیازمندیهای زندگی آنان را فراهم سازی تا زندگی خرسندانه و مطمئنی داشته باشند :
- ۲۰- از ساز و برگ لشگریان غافل ممان و نیازهای جنگی و جزء آنرا فراهم ساز!
- ۲۱- تیراندازی و نشانه‌گیری بیاموز و به تمرینهای جنگی سرگرم شو و وقت خود را در شکار از میان مبر؛ باید قصد تو از شکار برای تمرین در فنون جنگاوری باشد نه سرگرمی و خوش گذرانی!
- ۲۲- باید هنگام دمیدن خورشید تابان طلبها را به صدا در آوری و همین گونه در نیمه‌ی شب ؛ زیرا دمیدن راستین خورشید در آن گاه است .
همه‌ی مردم باید از انتقال خورشید از برجی به برجی دیگر ، آگاه شوند تا خداوند را سپاس گزارند . این آگهی باید با شلیک توپ و تفنگ انجام گیرد.
- ۲۳- اگر در شهر تو پاسبان و شبگرد نیست ، تو خود، کارهای او را انجام بده و از این کار عار نداشته باش ؛ بلکه آنرا پرستش خداوند بشمار : چه خدمت به بندگان اوست .
- ۲۴- هر رئیس شهربانی ، در هر شهر و روستا ، باید برزنها ، خانه‌ها و

جمعیت را شماره کند و نام آنان را در رونوشتی که پیش اوست بنویسد . هریک از افراد باید تندرستی ، جان ، دارائی و نگهداری آبرو و ناموس دیگری را تضمین کند .

۲۵- کارهای هربرزی را باید يك سرپرست اداره کند . کار آگاهان سرپرست باید او را از آنچه در برزن ها شب و روز می گذرد آگاه سازد . باید از تولد ، مرگ ، زناشوئی و دیگر اوضاع و احوال مردم کاملاً خبر داشته باشد . باید در خیابانها ، بازارها ، پلها و گذرگاهها کسانی را گماشت تا آنچه رخ می دهد گزارش کنند . باید اداره ی راهها به گونه ای باشد که گریزنده نتواند از از شهری به جایی دیگر بیرون رود و مردم آن شهر آگاه نشوند!

۲۶- هر کسی باید همسایه ی خود را در کشف دزدی ، خاموش کرن آتش و دیگر گزندها همکاری و یاری کند . سرپرست و رئیس برزن و هر کسی که از این گزند آگاهی می یابد باید به یاری ورهائی او بشتابد . هر کسی که از یاری او فرو بنشیند بزهکار است و برای گناه کیفر خواهد دید .

۲۷- هیچکس بی اجازه ی سرپرست برزن نمی تواند به نام مسافر از شهری بیرون رود یا به شهری وارد گردد . اگر بازرگان و یامسافری به شهر آید بر سرپرست برزن است که از آنان مراقبت کند و از کارهای آنان غافل نماند . مسافری که هیچکس او را ضمانت نکرد او را در مسافرخانه ای ویژه و دور از دیگر اقامت کنندگان قرار ده . اگر یکی از اینان بزه ای انجام دهد بر بزرگان شهر است که او را کیفر دهند .

همگی مسؤولیت این کار میان سرپرست برزن و بزرگان شهر یکسان بخش

می شود .

۲۸- باید بر درآمد و خرج افراد مراقبت ورزشی. هر کس درآمدش بر خرجش افزونی یابد، ناچار، درآمدش بیهوده است. این دستورها را برای سودمندی بندگان خدا بکار بند و آنرا انگیزه‌ای برای بهره و دارایی خود قرارده!

۲۹- دلالان را در بازار معین کن و هیچ خرید و فروشی نباید بی آگاهی سرپرست برزن و خبرگزاری برزن (محلّه) باشد. باید نام خریدار و فروشنده در دفتر روزانه نوشته شود. هر کس نانی خرید و فروش کند به پرداخت غرامت پونی محکوم میشود.

۳۰- باید در هر برزنی از شهر و هر محلی از محلّهای آن مأمور و پاسبانی در شب گماشته شود تا نشانی از دزد و راهزن یافت نشود. و بر مأمور است که دزد و کالارا، باهم، به چنگ آورد.

۳۱- هر کس بمیرد و وارثی نداشته باشد یا مسافرت کند و خبری از او نرسد اگر به حکومت و دستگاه بدهی دارد باید نخست بدهی حکومت از دارایی او کم شود و آنگاه مانده را به ورثه اش پرداخت.

اگر وارثی نداشت دارایی او به دست امینی سپرده می‌شود سپس به دربار پادشاهی گزارش می‌گردد. اگر وارثی برای او پیدا شد امانت را به صاحب آن بسپار! به هر حال باید تماماً بانیّت پاك و امانت داری صورت گیرد.

۳۲- کسی که می‌گساری می‌کند و نیز فووشنده و خریدار و سازنده‌ی باده و شراب، همگی، بزهکارند. بر آنان سخت‌گیری کن و به سخت‌ترین کیفر سزا ده! ولی کسی که برای حکمتی ویژه باده می‌نوشد، برای نمونه، برای روشنی فکر و تیزی هوش، بر او خرده مگیر!!!

۳۳- همگی عیدها، روزهای شادمانی و نشاط است : از اینرو مردم ، در آن روز ، به شادی می پردازند ؛ به ویژه عید نوروز که بزرگترین عیدهای سال است ؛ چرا که خورشید جهانتاب ، در این روز ، به برج حمل منتقل می گردد و آن نخستین روز از ماه فروردین (۲۱ مارس) است . دومین عید در روز نوزدهم از همان ماه است که روز بزرگی خورشید (شرف روز) نام دارد . سومین عید ، روز سوم اردیبهشت است . آراستن خیابانها و خانه ها در شب «نوروز» و «شرف روز» واجب است ، همانگونه که خانهها در شب نیمه‌ی شعبان باروشنایی چراغان می گردد .

۳۴- زن نباید اسب سواری کند ، مگر به هنگام نیاز و ضرورت .

۳۵- مردان و زنان نباید در رودخانه‌هایی که در يك محل و جا قرار دارند خودرا شستشو دهند ، بلکه باید جاهای شستشوی مردان از زنان دور باشد . همچنین برای زنان باید جاهای ویژه‌ای باشد تا از رودخانه ، به خانه‌ها ، آب ببرند .

۳۶- هیچ بازرگانی نمی‌تواند بدون اجازه‌ی استانداری (حکومت) اجازه بگیرد که گروه اسب و دامهای دیگر بیرون ببرد .

۳۷- استانداری باید نرخها را معین کند .

۳۸- عقده زناشویی جز با آگاهی بزرگان حکومت بسته نمیشود . اگر زناشویی میان توده‌ی مردم باشد باید در پیش رئیس شهربانی حاضر شوند .

اگر زن ۱۲ سال یا بیشتر از مرد بزرگتر باشد اجازه‌ی زناشویی میان آندو (مردوزن) داده نمی‌شود ؛ زیرا ناتوانی مرد را به دنبال می آورد . باید سن مرد ، به هنگام زناشویی ، ۱۶ وزن ، دست کم ، ۱۴ سال باشد

زناشویی دختر عمو و دختر عمه اجازه داده نمی‌شود ؛ زیرا انگیزه‌ای است در کمی گرایش میان دوهمسر و فرزندانشان و هم ناتوان وضعیف خواهند گردید .
 ۳۹- شایسته نیست که زنان در میان بازارها بدون روسری و پوشاندن چهره راه بیفتند .

۴۰- هرگاه نیاز سختی احساس گردد و راهی دیگر یافت نشود رهن فرزندان رواست . هرگاه کسیکه رهن می‌دهد ، و آن مال را به دست آورد باید رهن آزاد گردد و فرزندان رهن گذاشته شده‌ی خود را پس بگیرد .
 اگر کودکی هندو ، در کودکی ، به زور و ناخوشایندی اسلام آورد ، به هنگامی که به سن رشد رسید می‌تواند به دین نیاکان خود برگردد و یا اگر خواست بر همان اسلام بماند .

۴۲- اگر زنی هندو به خانهدی مسلمانی پناه آورد او را به خانواده‌اش رد کنید .

۴۳- مزدم در گزینش دین آزادی کامل دارند .
 اگر کسی آیین و دین و پدران خود را رها کرد و به دینی دیگر درآمد هیچکسی نمی‌تواند او را جلوگیر باشد و یا بر او خرده‌گیری کند . **پایان**

